

جهان اسلام و ضرورت پیگیری مسأله بقیع

محمدسعیدنجاتی^۱

مقدمه

توجه به شرایط امروزی جهان اسلام به روشنی ضرورت مسأله احیا و بازسازی مقبره بقیع به عنوان مهمترین مقبره مقدس میان همه مسلمانان از مذاهب مختلف و نیز سایر مقابر مطهر را هویدا می کند و با نگاهی به کارنامه دولت سعودی در صد سال اخیر و عملکرد گروهک های تابع فرقه وهابیت، ضرورت چاره جوئی و تلاش همه جانبه برای این مطالبه همگامی بیشتر روشن می شود.

برخلاف ادعایی که سخن گفتن از این مقولات را برخلاف عقیده وحدت امت اسلامی می داند، به نظر می رسد تشریح فجایی که به بهانه هدم مظاهر شرک در سرزمین های اسلامی رخ می دهد، به همسویی موج عظیم ملت اسلام که با نگاه خشک و تهجر آمیز وهابیت موافق نیستند، بیانجامد، به خصوص که افکار عمومی امروز هرچند به زبان، سیاست ها و جنایت های داعش که نمونه های کوچک شده جنایت وهابیان نجد هستند را محکوم می کند. این ضرورت را می توان از چهار رهیافت مورد توجه قرار داد:

۱. حفظ مستندات عینی دین اسلام

بازسازی بقیع و سایر بقاع مقدس به شیوه های مختلف، تلاشی الزامی برای حفظ و برجا ماندن، مستندات موجود دین اسلام در حرمین شریفین و کشورهای اسلامی است.

یکی از اصلی ترین مستندات تاریخی، منابع خارجی و عینی تاریخ اند، امروزه ضرورت حفظ و مرمت آثار باستانی باقیمانده از اقوام مختلف برای حفظ نشانه های تمدنی این اقوام و از آن مهمتر برای بررسی های تاریخی و قرینه سنجی های تاریخی روشن است. در میان همه فرهنگ ها و ادیان الهی که امتداد تاریخی دارند، هیچ مکتب و آئینی به اندازه دین مبین اسلام تا یکصدسال اخیر برای بسیاری از حوادث تاریخی صدر اسلام علیرغم گذر زمان شواهد عینی داشت، محل تولد و محل بعثت و خانه و محل زندگی پیامبرش، محل جنگ های او منزلگاه های حجه الوداع و سفر او از مدینه به مکه و بالعکس، میدانگاه های غزوات مختلف، مساجدی که آن حضرت در آنها نماز خوانده بود، محل دفن او و همسران و دخترانش و... ولی متأسفانه امروز بسیاری از این اماکن مشخص نیست و اگر از کسانی که وظیفه نگهداری از آنان را دارند درباره آنها سؤال کنی، تنها می گوید نمی دانیم «الله اعلم» این در حالی است که میراث فرهنگی ملت های مختلف نسل به نسل و سینه به سینه همینگونه باقیمانده و مسلمانان پیش از رسیدن دوره وهابیت در این زمینه کوتاهی نمی کردند و به همین دلیل است که کتاب های تاریخ حرمین و سفرنامه ها لبریز از توصیف های دقیقی از این یادگارهای فرهنگ و تمدن اسلامی هستند، از سال ۱۳۳۴ قمری که آخرین تخریب توسعه یافته حرمین آغاز شد، هرچند نزدیک به صد سال می گذرد اما هنوز در میان مجاوران و حاجیان کسانی یافت می

^۱ سطح ۴ حوزه و دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان، این نوشته برگرفته از مقاله ای از همین نویسنده است که در جریان چاپ قرار دارد.

شوند که از موقعیت مکانی های تخریب شده در این یکصد سال اخیر اطلاع قابل توجهی را عرضه کنند، بنابراین به نظر می رسد که در اولین فرصت به دنبال احیا و بازسازی تاریخ از دست رفته و ثبت آخرین شکل های این اماکن پیش از تخریب با توجه به اطلاعات شاهدان عینی ممکن است، این مساله چیزی است که فرصت سوزی در آن جبران ناشدنی است، البته در شرایط فعلی بازسازی و احیای خود اماکن با توجه به سلطه وهابیت میسر نیست اما هنرهایی چون ماکت سازی و تصویرسازی سه بعدی می تواند کمک های جدی به این مساله نماید.

۲. پیشگیری از استمرار و گسترش تخریب ها

پیشگیری مساله بقیع و احیای آن در مجامع اسلامی گامی عملی و جدی برای پیشگیری از تهدیدهایی است که برای از بین بردن آثار اسلامی در حرمین شریفین و استمرار و گسترش تخریب این آثار در سراسر جهان اسلام، با قدرت یابی تکفیریان در جریان است. نگاهی به کارنامه ننگین وهابیت در تخریب، و طرح های پیش روی آنان، ضرورت پیشگیری را برای ما جدی تر می نماید. بنابر آمار مؤسسه واشنگتن که بر امور کشورهای عربی خلیج فارس نظارت دارد، ۹۵٪ ساختمان های تاریخی عربستان که با زندگی پیامبر(ص) در ارتباط است، در دو دهه گذشته تخریب شد تا جایی که دیگر آسمان صحرای جزیره را نه ستارگان بلکه چراغ هتلهای لوکس و فروشگاه ها و مراکز بزرگ تجاری آن روشن می کند.

برخی از تهدید های پیشرو:

۱/۲ احساس خطر وهابیت از گنبد مطهر نبوی

بدن مطهر پیامبر اکرم(ص) به وصیت خود آن حضرت در جائیکه از دنیا رفته بود، دفن شد که یکی از اتاق های خانه خودشان در مسجد النبی بود به همین دلیل از آغاز بر فراز قبر مطهر آن حضرت سقفی قرار داشت. امری که وهابیون آن را بدعت و حرام می شمردند. شاید به همین دلیل بود که حتی در دوران محاصره مدینه در زمان حمله وهابیون، این گنبد مطهر در معرض شلیک گلوله های آنان قرار گرفت و طبق گزارش فرستاده ایران، در آن زمان رد گلوله ها بر آن آشکار بود.^۱

ولی همیشه این مساله برای آنان که بنای بر روی قبور را بدعت می دانند یک عقده حل نشده است. اعتراض عمومی مسلمانان که نگران سرنوشتی چون سرنوشت بارگاه های بقیع برای قبه الخضراء بودند باعث شد تا آنها نتوانند نیات پلید خود را در مورد حرم پیامبر به اجرا در آورند و حتی ملک عبدالعزیز، امنیت گنبد مطهر پیامبر اکرم(ص) را در نوشته ای رسمی برای آیت الله صاحب فصول تعهد داد.^۲ ولی بی اعتنایی و بی حرمتی شدیدی که امروزه به صورت علنی نسبت به حجره مبارکه پیامبر اکرم می شود، نشانگر تمهیداتی برای این توطئه است، به گونه ای که از پشت پنجره های نیمه بسته ضریح مطهر، غبار سنگینی را که بر قبر مطهر و در و دیوار حجره شریف پیامبر اکرم(ص) نشسته آشکارا می توان دید. هم اکنون مامورینی که نام خود را هیات امر به معروف و نهی از منکر در حرم نبوی گردش می کنند، با وجود روایت های فراوانی که در منابع شیعه و سنی دلالت بر حیات برزخی آن حضرت دارند، مانع از مخاطب قراردادن قبر مطهر دارند و اگر کسی را رو به قبر مطهر رسول اکرم ببینند که چیزی می گوید یا آن حضرت را مخاطب قرار می دهد، او را مرتکب شرک دانسته و او را به خیال خود با

تندی و بی حرمتی نهی از منکر می کنند. حال آنکه تا پیش از دوره سعودی همزمان با عوض کردن پرده کعبه معظمه حجره مطهره رسول خدا نیز غبار رویی می شد و همان کارگاهی که پرده کعبه را با تشریفات خاص می بافت، وظیفه بافت پرده حجره مبارکه را نیز برعهده داشت و این دو پرده همراه با تشریفات خاصی در محمل همایونی به حجاز می آمد. خبرهایی که جسته و گریخته از مجامع مختلف وهابی درز می کند، نشان از تلاش وهابیون افراطی برای توطئه ای جهت تخریب این گنبد رفیع دارد. به عنوان نمونه می توان به پایان نامه ای اشاره کرد که در دانشگاه اسلامی مدینه به وسیله شخصی به نام «مقبل بن هادی الوادعی» دفاع شده با نام «بحث حول القبة المبنية علی قبر رسول الله.» در پایان نامه نویسنده که یکی از مبلغان وهابیت افراطی است، صریحا قبر زیر گنبد را بدعتی بزرگ دانسته و از بین بردن گنبد را پیشنهاد داده است^۳ که می توان اینگونه نوشته ها را تلاش برای تئوریزه کردن تخریب حرم نبوی دانست.

۲/۲ تلاش وهابیت برای تغییر هویت بومی مدینه با تغییر بافت جمعیتی آن

بنا به اظهارات شیعیان بومی مدینه دولت وهابی تدابیر بسیاری را برای از بین بردن فرهنگ بومی مدینه که تحت تاثیر مکتب تشیع بوده اندیشه است. تغییر توازن جمعیتی شهر مدینه با تشویق به مهاجرت افراد مناطق مختلف عربستان به خصوص از مناطق متعصب وهابی مانند قصیم و نجد به گونه ای که ترکیب جمعیتی مدینه که در سی سال قبل حدود یک سومش را شیعیان بومی تشکیل می داد آنچنان تغییر یافته که نسبت شیعیان با وجود رشد جمعیتشان که بیش از بیست هزار نفر است^۴ به در صدی کمتر از ده درصد کاهش یافته است. تغییر آداب و رسوم و فرهنگ بومی مدینه، از آنجا که بومیان مدینه که بیشتر از نسل انصار و ساکنان اصلی مدینه اند؛ به خاطر سوابق تاریخی عمیقی که شیعیان در این شهر مقدس دارند و با توجه به سابقه طولانی دولت های شیعی در حجاز، به تشیع گرایش دارند، وهابیت برای مقابله با مظاهر فرهنگی تشیع تلاش های بی صدا و محرمانه ای را برای از بین بردن اجتماعات و کلونی های شیعه و مراکز اجتماعی آنان و تغییر و تبدیل محله های شیعه نشین مدینه که سابقا در هسته مرکزی مدینه و در منطقه عوالی بود، اندیشیده و به مرور محله های شیعه نشین از نقطه مرکزی مدینه حذف شده و شیعیان بومی یا به شهرهای دیگر یا در حلقه های بسیار دورتر مدینه به صورت پراکنده ساکن شده اند، امری که به ناپدید شدن و کمرنگ شدن هویت شیعی آنان خواهد پرداخت، این در حالی است که با هرگونه محفل رسمی یا حتی گروه های اجتماعی که نماینده هویت بومی و شیعی مدینه هستند به شدت مخالفت می شود. نمونه کوچکی از این تغییر و تحریف فرهنگی را می توان در خرمایی که امروزه به نام عجوه مدینه عرضه می شود دید، خرمای عجوه براساس روایت های متعدد پیامبر اکرم (ص) دارای ویژگی ها و خواص منحصر به فردی است که آزمایش های امروزی نیز بر بسیاری از آن صحنه گزارده است، ولی به شهادت بومیان و نخاوله مدینه آنچه امروز به نام عجوه به دست حجاج مشتاق می رسد خرمایی غیر عجوه است که تنها نخلداران سنتی مدینه یا همان شیعیان معروف به نخاوله آن را پرورش می دهند و امروزه به نام خرمای «حلوئی» برای اندکی شناخته می شود.

تهدید دیگری که توجه به آن در فرصت برجا مانده ضروری به نظر می رسد، از بین رفتن آثار و به ویژه باغ ها و زمین های زراعی متعلق به اهل بیت (ع) است. این مزارع که از جمله آنها حوائط سبع رسول اکرم (ص) یعنی موقوفات آن حضرت برای حضرت زهرا (س) و اولاد ایشان است، امروزه به صورت زمین ها و مزارع و باغ های سنتی به عنوان میراثی دست اشراف مدینه یعنی ساداتی که به رسول اکرم (ص)

نسب می برند باقیمانده است اما به دلیل ناکارآمدی و با تشویقی که به ساخت و ساز در این مناطق می شود، به مرور و با سرعت زیاد از شکل و حالت سابق محو شده و تبدیل به مجتمع های مسکونی و تجاری می شود. مالکان این زمین ها که از مشکلات اقتصادی رنج می برند وقتی با پیشنهاد افراد مورد حمایت دولت، با قیمت های کلانی که قابل قیاس با درآمد کشاورزی با کاربری فعلی این زمین ها نیست، مواجه می شوند، به مرور و ناگزیر به فروش ملک آبا و اجدادی خود، به کسانی رضایت می دهند که تاریخ و پیشینه این املاک نه تنها برای آنان تقدس ندارد بلکه با توجه به تقدس آن نزد شیعه به دنبال از بین بردن و محو کردن آن هستند.^۵

۳. واجب تعظیم شعائر

مطالبه بازسازی بقع کوچکترین اقدام عملی به مقتضای مودت پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت (ص) و تعظیم شعائر الهی است. این نکته حائز اهمیت است که برخلاف تخریب مجسمه های بودا و آثار تخریب شده دیگر توسط وهابیان، هنوز مطالبه ای رسمی و بین المللی برای جلوگیری از این روند تخریب که هنوز باقی است تشکیل نشده است.

نمادها و یادمانها در جای اعمال حج به روشنی قابل رویت است، به دستور قرآن کریم در توحیدی ترین مکن نماز گاه انسان در حج باید از کنار جای ابراهیم خلیل آغاز شود (مقام ابراهیم)، حجر اسماعیل مدفن هاجر و پیامبران متعدد الهی در درون کعبه شناخته می شود و به همین دلیل حجاج در طواف خود دور آن نیز طواف می کنند. محل یکی از دیگر از مناسک حج و عمره، سعی است که به یادبود و تقلید سرگشتگی جناب هاجر میان کوه های صفا و مروه انجام می شود. حج یکی از بزرگترین عبادت های الهی اصولاً سنتی ابراهیمی است و حاجی در قربانی و رمی جمرات و بسیاری از سنن دیگر از حضرت ابراهیم تبعیت می کند.

چرا که ابراهیم خلیل و تابعان او نزدیک ترین راه به توحید و بندگی خالصانه حضرت حق هستند؛ تعبیر رسایی که درباره زیارتگاه های معصومان در منابع ما مطرح است این تعبیر است «هذه العرصات استعبدتها اهل الارضين و السماوات» عرصه هایی که خداوند عالمیان اهل آسمانها و زمین را به وسیله آن به پرستش خود خواند چنانکه وظیفه اصلی کعبه مشرفه نیز همین است والا «کعبه سنگ نشانی است که ره گم نشود»

پروردگار جهانیان زیارت این بقعه های نورانی را عبادتی برای خود دانسته و از ما خواسته تا علاقه و ارتباط خود را با صاحبان این مکان های نورانی آنچنان تقویت کنیم که مشتاق مکان هایی باشیم که عزیزانمان از آن گذشته اند و با نگاه به خانه ها و مکان های زندگی و رفت و آمدشان، آنان را حاضر و ناظر خود بینیم آنچنانکه گویا با خودشان سخن می گوئیم. «واجعل ارواحنا تحن الی مواطن اقدامهم و نفوسنا تهوی النظر الی مجالسهم و عرصاتهم حتی کانتا نخطبهم فی حضور اشخاصهم»^۶

در دنیایی که برای پاسداشت گروه ها و فدارکاران خود، مقبره های خالی را به عنوان یادمان محل احترام مردم کشور خود و سران سرزمین های دیگر معرفی می کنند، وهابیت پلید، مقابر و بقعه های مستند و صحیح شخصیت های پرافتخار تاریخ اسلام را اینچنین تخریب می کند و در تلاش برای از بین بردن آنهاست.

بی جهت نیست که خداوند تعظیم شعائر الهی و نشانه های خدا را که شامل احکام الهی و مناسک حج و حتی قربانی حج می شود را از تقوای دل می داند. یادمان امامان دین و اصحاب بزرگ رسول خدا (ص) و فرزندان و همسران پاک آن حضرت نیز قطعاً در زمره این نشانه هاست که به یقین برای هر مسلمان شیعه و سنی محترم و واجب التعظیم است.

۴. اقتضای مودت واجب

مساله دیگری که ضرورت مطالبه احیا و بازسازی بارگاه های بقیع و دیگر بارگاه ها چون بارگاه های موجود در قبرستان معلاه در مکه مکرمه را روشن می سازد، مساله وجوب مودت و دوستی نزدیکان و خویشان نزدیک رسول خدا (ص) واجب دیگری است که قطعاً قبور مطهر بقیع روشن ترین مصادیق آن هستند از جمله قبر منسوب به زهرای مرضیه (س) و دیگر فرزندان رسول خدا (ص) به خصوص سید جوانان بهشت امام حسن مجتبی (ع) و دیگر امامان بزرگ مسلمانان مانند امام سجاد زین العابدین و امام محمد باقر العلوم (ع) و امام جعفر بن محمد الصادق (ع) و همچنین عمه ها و عموی رسول خدا و دیگر وابستگان آن حضرت که درود و سلام خدا بر آنها باد.

آیا از بین بردن آثار این قبور مطهر و تخریب این آثار و رها کردن آنها چونان قبرمردگانی معمول مقتضای مودتی است که قرآن کریم به آن فرمان داده و اجر رسالت دانسته یا حد اقل آن است که مانند مردمان زمان اصحاب کهف چنانکه قرآن کریم یاد کرده یا مانند ابو جندل بن عمرو صحابی که برای جناب ابوبصیر صحابی رسول خدا بر سرمارش مسجدی به یادمان ساخت، حرم و مسجدی با شکوه بنا کنیم، چرا مسلمانان جهان بی توجه به فهم و عمل نسل های پیشین مسلمانان که قبر مطهر بزرگان دین را احترام می کردند که از روایت پیامبر (ص) که فرموده بود: «اتخذوا قبور انبیائهم مساجد» : مانند اهل کتاب نکنید که قبر پیامبران پیشین را سجده گاه خود ساخته بودند و به سوی آن سجده می کردند، چرا باید به فهم ناقص و کوتاه بینانه بیابان نشینان نجد و حران از این روایت بسنده کنیم که آن را بر قبور انبیایشان مسجد ساخته بودند تفسیر کرده اند و آیه قرآن و سنت و فهم مسلمانان دیگر را تخطئه کرده اند. یا دستور پیامبر به امام علی (ع) درباره تخریب بارگاه های شرک آلود جزیره العرب را در مورد قبور و مزاراتی تطبیق بدهیم که نشانه های توحید و یکتا پرستی اند و ما را به معرفت الله و توحید واقعی می رسانند (اظهرت فیها ادله التوحید)

ضرورت و وجوب تعظیم شعائر و مودت و دوستی خویشان پیامبر اکرم (ص) هر مسلمان خردمندی را چه شیعه و چه سنی به مطالبه برای بازسازی و احیای بقیع و دیگر آثار تخریب شده وادار می کند که این کوچکترین قدم ممکن در این مسیر است.

راه کارهای مقابله با تخریب

- می توان با توجه به ماهیت مساله تخریب راه کاری های عملی و نظری را برای این مساله ارایه داد.

ایجاد یک مطالبه بین المللی برای احیاء و بازسازی بقیع و جلوگیری از تخریب که با شرکت مسلمانان و حتی غیرمسلمانان علاقه مند به میراث فرهنگی می تواند شکل بگیرد و حمایت سازمانهایی چون یونسکو را نیز در پی داشته باشد. با توسعه شبکه های مجازی این مطالبه می تواند با سهولت بسیاری نسبت به سابق ایجاد و گسترش یابد.

- بازسازی سه بعدی موقعیت بارگاه ها و اماکن مقدس پیش از تخریب با استفاده از عکس ها و تصاویر برجمانده و خاطرات شفاهی افرادی که هنوز سال های پیش از تخریب را به یاد دارند. این امکان برای بازسازی بسیاری از اماکن تاریخی به کمک نرم افزار های پیشرفته رایانه ای فراهم است.

- ثبت بین المللی این اماکن مقدس و ثبت علمی آن از طریق دانشنامه ها و کتاب هایی که با نگاه علمی و بی طرفانه برای معرفی این اماکن نوشته می شود، گفتنی است که دایره المعارف حج که به همت پژوهشکده حج در حال تدوین است و تاکنون پنج جلد آن منتشر شده و همینطور فرهنگ اماکن مذهبی حرمین که در دست اقدام است، تلاش هایی در خور تقدیر در این زمینه دارند که حمایت مسئولان زیر ربط را بیش از پیش می طلبد.

- همت و تلاش خیرین شیعه برای خریدن و نجات دادن میراث های فرهنگی موجود در حرمین به خصوص مدینه منوره و حفظ و بازسازی آن برای ثبت تاریخی که البته اینکار باید با پوشش های خاص و به کمک بومیان شیعه مدینه منوره انجام شود و کوتاهی در آن باعث حسرت هایی جبران ناپذیر خواهد شد.

- ترویج و اشاعه تاریخ بقیع و آثار اسلامی دیگرچه در میان شیعیان و چه در موسم حج با پخش و گسترش نقشه ها و تاریخ آن میان مسلمانان کشورهای اسلامی با کمک گرفتن از ظرفیت عظیم حجاج به خصوص حجاج عرب زبان در حج.

- تلاش برای حفاظت و دفاع از آثار اسلامی کشورهای درگیر با خطر گروه های وهابی مانند داعش و جبهه النصره و ... با مبارزه همه جانبه سیاسی و نظامی با رشد و گسترش این گروه ها در سوریه، عراق و دیگر کشورهای اسلامی که بی تردید بدون این گونه تلاش ها و بسنده کردن به تلاش های آکادمیک و نظری پس از مدتی نشانی از این آثار برجای نخواهد ماند و همت و تلاش واقعی و همه جانبه را برای مقابله نظامی و اقتصادی گستره بین المللی را با این گروه های تکفیری می طلبد. در اینجا لازم است از شهدایی که به عشق دفاع از حرم اهل بیت پیامبر(ع) در عراق و سوریه از کشورهای مسلمان مختلف چون لبنان و سوریه و عراق و ایران و افغانستان و ... بر سر این راه مقدس جان دادند یاد کنیم. بی شک این تلاش های مردمی و خود جوش و داوطلبانه و اشاعه و زنده نگهداشتن این راه در میان جوانان مسلمان محب اهل بیت (ع) یکی از مهمترین راهکارهای عملی است که در این شرایط که دولت های اسلامی به خاطر مسائل و مشکلات سیاسی نمی توانند به روشنی به آن بپردازند ولی کار فرهنگی و تبلیغ آن از ضرورت های دفاع از آثار اسلام و پیامبراکرم (ص) و خاندان او در سرزمین های اسلامی است.

• هرچند نقش اهل سنت در اعتراض به این جنایت ها و تخریب ها از همان آغاز انکار ناپذیر است ولی از آنجا که جریان های افراطی وهابی منسوب به اهل سنت هستند و خود را در عین زشت کاری و ناصبی گری عملی مدافع سنت و شریعت می دانند، جریان افراطی تشیع انگلیسی نیز تلاش می کند تا از این مطالبه نمندی برای خود بیافد و آن را تبدیل به بهانه ای برای ترویج خشونت و دشمنی میان مسلمانان چونان وهابیان قرار دهد حال آنکه وقتی به تاریخ تشیع نگاه می کنیم می بینیم تنها راه کاری که ائمه شیعه برای حفظ این مکتب و گسترش آن داشتند تلاش برای وحدت یا همان همزیستی برادرانه میان مسلمانان مذاهب مختلف بوده است. اگر شیعه از جمعیتی سه نفری به سیصد میلیون رسیده به خاطر حقانیت مکتب و منطبق معتدل و دوری از افراط بوده است.

تنها راهی که می تواند شیعه را در احیای مراقد مطهر ائمه بقیع و جلوگیری از ادامه هتک حرمت ها به این بارگاه های مقدس بازدارد، همراه کردن سیل عظیم جمعیت مسلمان مذاهب اسلامی است که چونان شیعه بزرگداشت و تکریم بزرگان دین و زیارت قبور و توسل به آنان را برخلاف وهابیت نه تنها شرک نمی بینند بلکه مقتضای توحید و دستور الهی می دانند و دلشان از اهانت های وهابیت به بارگاه های مختلف در سرزمین های اسلامی به خصوص در حرمین شریفین خون است.

این دقیقاً سیاست وهابیت است که با دورویی و به ضرب دلارهای سعودی عقاید خردستیزانه و افراطی خود را به مسلمانان مذاهب دیگر و مناطق دیگر اسلام تحمیل می کند و عقاید آنان را محترم نمی شمارد و با ترویج سیاست های ایران ستیزی و شیعه ستیزی در صدد همراه کردن مسلمانان دیگر کشورها با گروه اندک خود است.

شیعیان باید بدانند برخلاف اعتقاد شیعیان لندن نشین تفرقه افکن با بددهنی و جسارت نمی توانند قدرتی را که مانع گسترش وهابیت در جهان اسلام می شود بدست آورند بلکه تنها راه مقابله با این غده سرطانی وحدت با سایر مسلمانان و احترام به اعتقادات آنان و رفتار اخلاقی و نیکو با آنان است چنانکه این امر سفارش قرآن و وصیت مورد تاکید مراجع عظام تقلید و رهبران و چهره های شاخص جهان تشیع است. والسلام

پی نوشت ها:

^۱. تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد: ص ۹۰

^۲. حکایات بقیع، ص ۱۰

^۳. فاجعه البقیع، ص ۱۲۶

^۴. حج ۲۵ ص ۱۵۰

^۵. این اطلاعات از مصاحبه نویسنده با برخی از شیعیان بومی و فعالان فرهنگی مدینه بدست آمده است.

^۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق. ج ۹۹: ص ۱۱۶